

مسئولیت حقوقی دولت در قبال بیماری‌های مسری

سید مجتبی سجادی^۱محمد حسن شیبانی فر^۲علیرضا پوربافرانی^۳قاسم جعفری^۴حیدر امیرپور^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲

چکیده

گسترش و انتشار امراض مسری، تهدیدی جدی علیه امنیت سلامت انسانها در جوامع بشری به شمار می‌رود. از اینرو مراقبت از رفتار مبتلایان به بیماریهای مسری، قرنطینه و ایجاد محدودیت برای آنها و جلوگیری از انتشار بیماری از مهمترین مسائل در حوزه فقه پزشکی به حساب می‌آید. در راستای کنترل و پیشگیری از بیماری‌های مسری توجه به مسئولیت مدنی و کیفری شخص منتقل کننده امری ضروری است. این تحقیق که به روش توصیفی- تحلیلی نگارش یافته بیان می‌دارد که منتقل کننده بیماری، مسئولیت مدنی و کیفری را با شرایطی داراست. فقهای امامیه بر اساس مبانی عدم جواز عمل، تعدی یا تفریط و انتساب درباره مسئولیت کسی که دیگری را به بیماری مسری آلوده می‌کند اظهار نظر کرده‌اند و با وجود هر یک از آنها منتقل کننده را مسئول جبران دانسته‌اند. در باب مسئولیت دولتها نیز باید گفت، دولت می‌تواند با توسل به قدرت و اختیاراتی که دارد، تا حدود زیادی از انتشار بیماری‌های مسری پیشگیری کند و در صورت سهل‌انگاری در انجام وظایف و تکالیف خود، باید مسئول جبران خسارات وارده به زیاندیدگان باشد.

کلمات کلیدی: بیماری‌های مسری، مسئولیت مدنی، قوانین و مقررات بین‌المللی، قانون مسوولیت مدنی

^۱ دانشجوی دکترا، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۴ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۵ دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

قانون اساسی در مقدمه اقتصاد را وسیله، نه هدف دانسته و همانطور که در بند ۶ از اصل دوم و غالب بندهای ذیل اصل سوم مذکور افتاده، کرامت انسانی اولی و بر آن تأکید شده است. ملاحظه ارزش و کرامت نوع بشر نیز بر اساس آموزه های دینی اسلام و حتی سایر ادیان ابراهیمی مکتوم و پوشیده نیست. اهمیت و ارجحیت سلامت و کرامت آدمی با مذاقه در این اصول به خوبی معلوم و به همین دلیل وقتی تعارضی بین این دو حق ایجاد می-شود، حق سلامت ارجحیت بر حق فعالیت اقتصادی دارد این حقیقت با رجوع به مقدمه قانون اساسی که اقتصاد را وسیله می داند نه هدف، برجسته می شود. اسقاط حق در قواعد حقوقی در صورت تعارض نیز امری بعید و ناشناخته نیست. در تعارض حق فعالیت و حق حیات و سلامت، تردیدی نیست که حیات و سلامت ارجحیت دارد و این استنتاج با رجوع به اصول موصوف و مبانی شریعت مستند و مستدل است. در نتیجه در شرایطی که با بیماری مسری روبرو هستیم، تکلیف دولت (حاکمیت) اعلام و تعیین شرایط اضطراری در هر مرحله و سطح است. دولت مکلف است روابط اجتماعی جامعه را متناسب با شرایط بحران تعیین و ضمانت اجرای کافی برای تخلف از تصمیمات را در نظر بگیرد و اینکه رویه موجود به نظر ارجحیت فعالیت های اقتصادی بر سلامت عمومی است که به صراحت خلاف اصول قانون اساسی و رعایت کرامت انسانی است.

مبانی مسئولیت مدنی دولت ها در قبال بیماری ها و امراض مسری

اصول و معیارهایی که می توان برای بررسی مبنای مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری های مسری مورد توجه قرار داد، لزوماً جدید نیستند؛ اما برخلاف اصول سنتی که در پرونده های متعدد راهگشاست، ممکن است در دعوی خاصی به کار گرفته شده باشند. یکی از تحلیل های مبنایی ممکن است این باشد که هرگاه وقوع یا گسترش بیماری به دو یا چند عامل ارتباط داشته باشد که برخی از آن ها طبیعی بوده و برخی دیگر با خطای انسانی یا سازمانی ارتباط داشته باشد، باید عامل غیرطبیعی را مسئول جبران خسارات وارده دانست. علت را باید در قابلیت کنترل عوامل انسانی یا سازمانی در مقایسه با عوامل طبیعی جست. تحلیل دیگر بر مبنای تفکیک ایجاد خطر از گسترش خطر است؛ بدین معنا که ایجاد بیماری ممکن است کاملاً طبیعی باشد، اما نقش اقدامی (فعل) یا عدم اقدامی (ترک فعل) دولت در «گسترش» بیماری، مسئولیت مدنی دولت را در پی دارد. دولت متولی اصلی سلامت جامعه است و به عنوان حکمران، مسئولیت تمامی ملت بر عهده دولت است و می-بایست در زمان شیوع بیماری هایی مانند بیماری کرونا، کلیه هزینه های مرتبط با آن را پذیرفته و پرداخت نماید و نسبت به شیوع آن پیشگیری کند. زیرا دولت متولی تأمین امنیت و سلامت عمومی شهروندان یا دست کم تأمین زیرساخت های لازم برای آن و سیاست گذاری، هدایت و نظارت در این حوزه ها است. از این رو هر نوع

مسئولیت کارگران بخش خصوصی، بازاریان، اصناف، تولیدکنندگان و... در زمان بروز بیماری کرونا ویروس، وفق اصل ۲۹ قانون اساسی بر عهده دولت است و می‌بایست هزینه‌های آن از محل درآمدهای عمومی که در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز است، به عموم مردم از جمله کارگران، بازاریان، کارخانجات تولیدی و سایر نهادهایی که به واسطه بیماری مسری مشمول خسارت شده‌اند پرداخت شود. با عنایت به مطالب مطرح شده، مسئولیت مورد پذیرش مسئولیت محض است. مسئولیت محض مسئولیتی است که مبتنی بر وجود یا اثبات تقصیر در عامل زیان یا فعل زیانبار نیست. صرف ایراد ضرر برای عامل آن ایجاد مسئولیت می‌کند و خواننده جز با اثبات فقدان رابطه سببیت و انتساب ضرر به قوای قاهره نمی‌تواند از مسئولیت معاف شود. مسئولیت محض، نه مستلزم اثبات تقصیر در عمل است نه در عامل. به عبارت دیگر، نه تنها لازم نیست عمل، لزوماً تخطی از معیار رفتار انسان متعارف باشد، بلکه وجود عیب در خصلت، منش یا انگیزه عامل نیز شرط نیست. بنابراین مسئولیت محض، مسئولیت به نتیجه است، نه فعل و عامل زیان نمی‌تواند با اثبات این امر که رفتار او قابل سرزنش نیست یا از رفتار انسان متعارف تخطی نکرده است، از مسئولیت معاف شود. همان‌گونه که مزایا و منافع باید عادلانه تقسیم شود، همبستگی اجتماعی اقتضا می‌کند که خسارات ناشی از زندگی اجتماعی نیز میان بهره‌مندان از حادثه یا کالای خطرناک توزیع گردد. چنین هدفی با مسئولیت محض دولت ممکن می‌شود. مسئولیت محض دولت‌ها در صورت وقوع حوادث فوق‌العاده خطرناک مورد حمایت دکترین قرار دارد. انستیتوی حقوق بین‌الملل نیز در مواد ۱ و ۴ پیش نویس مواد سال ۱۹۹۷ خود درباره مسئولیت بابت خسارات به محیط زیست از ضرورت برقراری مسئولیت محض دولت‌ها بابت زیان‌های ناشی از فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک به محیط زیست سخن گفته است. از همه مهمتر، رویه قضایی و دولتی نیز به سود این مسئولیت دیده می‌شود. دیوان دعاوی اتمی جزایر مارشال میان آمریکا و جزایر مارشال بدون آن که به احراز تخلف یا قصور آمریکا در انجام آزمایش‌های اتمی‌اش ورود کند، این کشور را به پرداخت مبلغی بابت خسارات وارده به سرزمین‌های متعلق به جزایر مارشال محکوم کرده است. همچنین پس از سقوط ماهواره کاسموس ۹۵۴ شوروی در خاک کانادا، این کشور در تلاش برای دریافت غرامت از شوروی اعلام کرد که دولت‌ها در مورد فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک، مسئولیت محض دارند. پس از انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل شوروی سابق در سال ۱۹۸۶ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قالب کارگروهی از دولت‌ها خواست که روش حقوقی مناسب جبران خسارات ناشی از رویدادهای اتمی را که نوعاً فعالیت فوق‌العاده خطرناک به شمار می‌آید، پیشنهاد دهند. پاسخ برخی از دولت‌ها از جمله خود شوروی مبین برقراری نظامی از مسئولیت محض برای دولت‌ها است. دست آخر آن که در حوزه حقوق کنوانسیون‌های کنوانسیون مسئولیت بابت خسارات ناشی از اجرام آسمانی و معاهده اصول حاکم بر اکتشاف و بهره‌برداری از فضا نیز گویای مسئولیت محض دولت‌ها در زمینه فعالیت‌هایی است که در فضای جو انجام می‌شود. بنابراین، مفهوم مسئولیت محض، مفهومی غریبه در حقوق بین‌الملل نیست.

شاید نخستین هدفی که از مسئولیت مدنی مدنظر بوده، جبران خسارت بوده است که در نتیجه عمل یک شخص به دیگری وارد می‌آید. در جامعه مدرن، زیان یک نفر به خاطر مبتلا شدن به بیماری، در هر حد که باشد او را از یک زندگی خوب محروم می‌کند و لذا استحقاق جبران را مطرح می‌سازد این هدف برای مسئولیت مدنی، یادآور انعطاف از مسئولیت کیفری به مسئولیت مدنی و کاهش منازعات در صورت ورود خسارات مالی است. در واقع، اگر زمانی وارد ساختن خسارت به اموال شخصی، درگیری قبیلۀ او را با خاندان عامل زیان موجب می‌شد، نظام جبران خسارت در اولین فرصت کینه‌ها را به حداقل می‌رسانید. اصل لزوم جبران خسارت مطابق حکم شرع، قانون، عقل و عرف وسیله‌ای برای حفظ مصالح اجتماعی و جبران زیان‌های ناروا است و همانطور که در ماده یک قانون مسئولیت مدنی مقرر شده «هر کس بدون مجوز قانونی موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». بنابراین، هدف از مسئولیت مدنی تعیین مسئول پرداخت خسارت است تا زبانی که به ناروا به شخص یا اشخاص تحمیل شده است جبران گردد. بنابراین اصل قطعی در مسئولیت مدنی، الزام مقصر به جبران خسارت است و بدون رعایت این قاعده، مسئولیت مدنی موضوعیت ندارد. تنها وجه ممیزه و فارق مسئولیت مدنی و مسئولیت اخلاقی نیز همین اصل است. اما ضرر و زبانی قابل مطالبه می‌باشد که عرف و یا قانون آن را ضرر تلقی نموده است. در واقع، ضرر نامتعارف و غیر مشروع از ارکان مسئولیت است و خساراتی که عرفاً قابل اعتناء نیست و یا قانون آن را مباح می‌داند موجب تعهد و ضمان نمی‌باشد. لیکن چنانچه ضرر محقق گردد، ضرر وارده اعم از مادی و معنوی به همان نحو که قانون مسئولیت مدنی نیز بر آن تاکید نموده است، قابل مطالبه می‌باشد. بر اساس این مسئولیت، بین زیان زننده و زیان‌دیده رابطه‌ای خاص به وجود می‌آید که همان جبران خسارت است. بنابراین، مسئولیت مدنی در معنی عام و وسیعش، هم مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت خارج از قرارداد را در بر می‌گیرد زیرا، در هر دو مسئله مهم، بحث جبران خسارت است اما تفاوت اساسی این دو مسئولیت، به وجود یا عدم وجود قرارداد بین طرفین بازمی‌گردد. در واقع، منشأ مسئولیت مدنی از جایی آغاز می‌شود که بین طرفین قراردادی برای انجام تعهد وجود نداشته باشد. مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد نیست، در حالیکه مسئولیت قراردادی مسئولیتی است که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی پدید می‌آید. اما باید توجه داشت که هدف مهم و اساسی هر دو مسئولیت جبران خسارت زیان‌دیده است. این هدف بیشتر در خصوص خسارات مادی و مالی مصداق پیدا می‌کند زیرا، در خسارات معنوی جبران خسارت به معنای دقیق وجود ندارد. لذا، در این نوع خسارت سعی می‌شود که رضایت نسبی زیان دیده جلب شود. باید توجه نمود که در این قسم خسارات ممکن است عملی که با هدف جلب رضایت نسبی زیان دیده انجام می‌گیرد خود باعث عدم رضایت بیشتر وی گردد و

اثر عکس داشته باشد. لذا جبران خسارت و نوع جبران باید دقیقاً با در نظر داشتن روحیات زیان‌دیده انجام گیرد. در خصوص این هدف مشترک مسئولیت قهری و قراردادی گفته می‌شود؛ قلمرو این دو نوع مسئولیت به خسارات و آسیب‌های وارده به دارایی‌های مادی و مالی زیان‌دیده محدود نمی‌شود بلکه، این هدف اموری را که جنبه مادی ندارند و معنوی محسوب می‌شوند نیز، در برمی‌گیرد. در نظام جبران، خسارت تنها در حدی که به طور قطع ثابت باشد، پرداخت می‌گردد. بنابراین زیان‌های معنوی، عدم النفع و زیان‌های احتمالی، از حیث بازپرداخت به طور کلی محل تردید و مناقشه است. به علاوه، میزان مشخصی برای خسارات جانی و مالی وجود دارد که بیش از آن را نمی‌توان مطالبه کرد. حال آنکه در مورد بیماری‌های واگیردار، عامل وقوع خسارت، اغلب قهری به شمار می‌آید و حتی اگر عوامل انسانی نیز در آن دخیل باشند، عرفاً بسیار دور به حساب می‌آیند.

نظام انطباق

در این دیدگاه، هدف از مسئولیت مدنی، بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالتی می‌باشد که وی پیش از ورود زیان در آن وضعیت قرار داشته است. لذا بیمار باید تا حد امکان به حالت پیش از بیماری از حیث سلامت جسمی و وضعیت اقتصادی بازگردانده شود. پر واضح است که این نظام عادلانه‌ترین سیستم قابل تصور برای مسئولیت و جبران به شمار می‌آید. با اینحال، واقعیتی نیز با خود به همراه دارد و آن اینکه رسیدن به آرمان مذکور اغلب غیرممکن است؛ چگونه می‌توان آلام فرزند خردسالی که مادرش را در اثر بیماری کرونا از دست داده است، جبران کرد. بدیهی است، بسیاری از زیان‌های ناشی از مرگ و میر بیماران با پول قابل جبران نیست. در واقع، جبران تمام ضررها از لحاظ هنجاری تحمل‌ناپذیر؛ از لحاظ توصیفی غیرقابل قبول و از لحاظ تحلیلی غیرممکن است، زیرا هیچ اصل اخلاقی وجود ندارد که دیگران را ملزم کند هر نوع زیان وارد شده به هر کسی را، بدون توجه به نحوه وارد آمدن آن، جبران کند؛ نه مسئولیت مدنی و نه حقوق به طور کلی در پی دستیابی به چنین جبران خسارت مطلق نیست. وانگهی، جبران تمام ضررها، به نحوی که کسی زیانی متحمل نشود، از لحاظ تحلیلی ممکن نیست، زیرا بعضی از ضررها (مثل انرژی) از بین نمی‌روند بلکه به نوع دیگری تبدیل می‌شوند و خود ضررهای جبران نشده‌ای به بار می‌آورند به نظر می‌رسد، در بیشتر موارد، اعاده وضعیت قبلی ممکن نباشد یا مبلغ مورد حکم تمام زیان‌های وارد شده را جبران نکند: اندوه از دست دادن همسر، فرزند، والدین یا یکی از بستگان و با دوستی صمیمی قابل تقویم به پول نیست و حتی، به استثنای مواردی خاص ممکن است ناخوشایند هم باشد. حتی اگر بتوان اینگونه زیان‌ها را با پول جبران کرد، در غالب موارد، ارزیابی دقیق میزان زیان‌های وارد شده ممکن نیست، زیرا مستلزم روان‌کاوی زیان‌دیده و پژوهش در زمینه شخصیت وی

است که امری خارج از توان انسان است. به علاوه، در این صورت میزان خسارت پرداخت شده باید به نسبت وضعیت مالی زیان‌دیده متغیر باشد، چون پرداخت مبلغ قابل توجهی پول به انسانی نیازمند ممکن است خشنود کننده باشد و تا حدی زیان وی را جبران کند، اما همین مبلغ برای شخص ثروتمندی چیز بی ارزشی محسوب شود. نظام انطباق در مقام تصور، به مانند آبی است که با هر ظرفی هم شکل می‌شود؛ هرچند که گاه رسیدن به معیار منطبق نیازمند تمسک به جبران‌های غیرمالی، کیفی و معنوی است، می‌توان جنبه‌هایی را نیز از این نظام برای پرداختن تئوری مسئولیت عام، وام گرفت؛ اینکه دولت مسئول باید تمام تلاش خویش را برای بازگرداندن وضعیت سابق به عمل آورد؛ اگرچه این کوشش، به ویژه در مورد زیان‌های جانی، بی‌ثمر می‌ماند، ظنین-انداز آهنگ وجدان زیان‌دیدگان از بیماری‌های واگیردار در دل دولتمردان به شمار می‌آید تا مقداری پایدارتر ببانیدند و برای رسیدن به انطباق جبران با خسارت، به راه حل «پیشگیری» روی آورند به علاوه، نظام انطباق، اگرچه مقداری پیشرفته‌تر از نظام جبران به شمار می‌آید، هنوز هم صبغه کیفر را با خود به همراه دارد. چراکه برای بازگشت به وضعیت سابق، به ویژه در مواردی که کوتاهی عده‌ای، زیان ناشی از بیماری‌های واگیردار را تشدید کرده باشد، شاید لازم باشد که عاملین از طریق درج در جراید رسوا شوند یا به مجازات‌های سنگین‌تری محکوم گردند.

نظام تلفیقی-بازدارنده

در یک تحلیل مبتنی بر تساوی بشر و حاکمیت مردم، یک نمونه خاصی از بیماری واگیردار (مثلاً کوید ۱۹) باید در تمامی کشورهای هم‌مرده (مانند توسعه یافته یا در حال توسعه) به اندازه نسبتاً مساوی موجب بیماری، مرگ و میر و در مفهوم عام «خسارت» شود. این خسارت، حداقل ثبت شده‌ای است که با رعایت استانداردهای لازم و برنامه‌ریزی بلندمدت در کشور معین، بدان نائل شده‌اند و سایر کشورها، به هر دلیل یا توجهی به کاهش خسارات در آن حد (حداقل) ندارند یا تلاش‌های غیرعلمی آنها در این زمینه به دلیل فقدان ضمانت اجرای قانونی و مدیریتی لازم، بی‌ثمر مانده است. اگر سیاست کلان و پایدار دولت در قبال بیماری-های واگیردار، رسیدن به آرمان فوق باشد، در آن صورت طراحی نظام مسئولیت مدنی به عنوان مهمترین ابزار رسیدن به این هدف در شرایط کنونی نیز آسان خواهد بود. امروزه عده‌ای از حقوقدانان برای مقابله با خطرات بزرگ و غیرقابل جبرانی که تعداد زیادی از مردم و حتی تمام ساکنان کره زمین و نسل‌های آینده را در معرض خطر داده است، خواهان تحول در مسئولیت مدنی و گسترش نقش بازدارنده آن شده‌اند. به نظر آنان از اواخر قرن بیستم خطرات زیست محیطی، بهداشتی (مانند کرونا)، ژنتیکی و فاجعه‌های تکنولوژیکی گروه‌های زیادی از افراد و ساکنان فعلی کره زمین و نسل‌های آینده را در معرض خطر قرار داده است. در ارتباط با اینگونه خطرات

نباید به امید آن بود که در صورت ورود خسارت می‌توان از طریق مسئولیت مدنی آن را جبران کرد؛ زیرا، خسارات ناشی از اینگونه خطرات، در غالب موارد برگشت ناپذیر و در خصوص آن جبران خسارت به معنی است. از اینرو، باید از طریق کارکرد بازدارنده مسئولیت مدنی اشخاص را مکلف به احتیاط و پیش بینی ورود ضرر کرد و با تحول در قواعد مرسوم مسئولیت مدنی برای عدم انجام آن ضمانت اجرا کیفری نیز معین کرد. نظام تلفیقی بازدارنده، اختلاطی از مسئولیت مدنی برای دولت و مسئولیت مدنی کیفری برای دولتمردان و تمامی کسانی است که تشدید آثار بیماری‌های واگیردار، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، ناشی از کاهلی، بی-مبالاتی، بی‌احتیاطی، کم کاری، تقلب، کلاهبرداری، اختلاس و سایر جرایم آنهاست. در رأس هرم، دولت مسئول، تمامی خسارات وارده را جبران می‌نماید و جز برای کمک‌های اولیه و ضروری که در زمره اعمال انسان دوستانه قرار می‌گیرد، حق استمداد مالی از ملت را ندارد. پس از جبران کامل، دولت می‌تواند به خاطیان و عوامل حقیقی و حقوقی که تشدید بحران منتسب به آنهاست، از حیث مسئولیت مدنی یا کیفری یا هر دو، رجوع نماید. با وجود ایراداتی که ممکن است به این رویکرد وارد باشد، در شرایط حاضر تنها نظامی است که برای رسیدن به هدف پیشگیری از گسترش بیماری‌های واگیردار و آثار زیانبار آنها می‌توان بدان تمسک نمود. چراکه وقتی دولتمردان موقعیت شغلی و حتی جان خویش را در معرض خطر (کیفر) ببینند، نظارت و مدیریت خویش را در مقام پیگیری و بازدارندگی از بیماری‌های واگیردار با دقت و اهتمام کامل انجام می‌دهند و توان طفره از مسئولیت‌های اداری-اجرایی را ندارند. برای رسیدن به این هدف از مسئولیت، دولت ملزم به برنامه‌ریزی بلندمدت و پایدار می‌شود و در آینده نه چندان دور می‌توان بیماری‌های واگیردار شدیدی را ملاحظه کرد که هیچ خسارتی نمی‌آفرینند یا خسارت ناشی از آنها به مقدار معتابیهی که در سطح جهانی متعارف است، تقلیل می‌یابد. در آن صورت، می‌توان به تحلیل عملگرایانه از مفاهیم خشک مسئولیت مدنی و نجات جان هزاران انسان و حفظ میلیون‌ها مورد از اموال مردم، افتخار کرد.

رویکرد قوانین و مقررات در قبال مسئولیت دولت جهت جبران خسارات ناشی از بیماری مسری

مستندات حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری مسری در قوانین و مقررات بین المللی عبارتند از:

الف- ماده ۱۲ میثاق بین المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌رسد و در کشورمان نیز به عنوان قانون داخلی محسوب می‌گردد. به موجب بند (۱) ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی، «دولت‌های طرف این میثاق حق هرکس را به تمتع از بهترین حال سلامت

جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسند». طبق بند (۲) ماده ۱۲، «تدابیری که دولت‌های طرف این میثاق برای استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد، شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

- ✓ تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان - مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان.
- ✓ بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات
- ✓ پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه گیر - بومی - حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها
- ✓ ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری

مقصود از احترام به حق سلامت این است که دولت‌ها دسترسی همه افراد فارغ از جنس، نژاد، رنگ و وضعیت سیاسی - اجتماعی - حقوقی، از جمله زندانیان، افراد تحت بازداشت، اقلیت‌ها، پناهجویان یا حتی مهاجران غیرقانونی را به خدمات بهداشتی پیشگیرانه درمانی و تسکین بخش، منع یا محدود نکنند. همچنین دولت‌ها باید از ممنوعیت یا جلوگیری از مراقبت‌های پیشگیرانه سستی، اقدامات و داروهای سستی یا تحمیل درمان پزشکی اجباری (جز در موارد بیماری‌های روانی یا کنترل بیماری‌های واگیردار) خودداری کنند. مقصود از تعهد به حفاظت این است که در راستای اجرای تعهدات موضوع ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت‌ها باید تدابیر لازم از جمله تصویب قوانین را برای دسترسی مساوی به مراقبت‌های بهداشتی و خدمات مرتبط با سلامتی که توسط اشخاص و مؤسسات مختلف ارائه می‌شود، اتخاذ کنند. در این راستا، دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که خصوصی‌سازی بخش بهداشت و سلامت تهدیدی برای در دسترس بودن و کیفیت خدمات بهداشتی نیست. مسائلی مانند بازاریابی دارو، ارائه استانداردهای مناسب، مهارت‌های آموزشی و کدهای اخلاقی برای کارکنان بخش پزشکی و سلامت، نیاز مبرم به حمایت و مداخله دولت دارد. تمام این موارد در واقع مصداقی از تعهد به حفاظت محسوب می‌شوند. تعهد به اجرا (تحقق) یعنی اینکه دولت‌ها باید سیاست ملی سلامت که متضمن برنامه‌ریزی دقیق برای تحقق حق بر سلامت با هدف ارتقای مؤثر نظام سلامت باشد، را به تصویب برسانند، ارتقای مؤثر نظام سلامت دارای مؤلفه‌های بسیار متنوع و گسترده‌ای از جمله برنامه‌های واکسیناسیون، دسترسی مساوی به همه پیش شرط‌های سلامت مانند مواد غذایی سالم و مفید، آب آشامیدنی سالم، بهداشت اولیه و مسکن مناسب و می‌باشد. همچنین دولت‌ها علاوه بر اطمینان از آموزش کافی و مناسب پزشکان و سایر پرسنل پزشکی، باید تعداد کافی از بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی را تأسیس

کنند، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فرآیند نظارتی خود تأکید ویژه‌ای بر این امر به ویژه در مناطق دوردست، روستایی و فقیرنشین شهری دارد.

مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی

بخشی از مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی - که کشور ایران نیز بر اساس قانون اجازه الحاق دولت ایران به سازمان بهداشت جهانی (مصوب ۱۳۲۷/۰۳/۰۱) در آن عضویت دارد - تصریح می‌کند: دولتی که عضویت این مجمع را دارا هستند اعلام می‌دارند که با موافقت با منشور ملل متحد، اصول زیرین اساس سعادت ملل و سازگاری روابط و تأمین امنیت آنها می‌باشد. سلامتی مبتنی بر رفاه کامل جسم و روح جامعه است و صرفاً عبارت از فقدان ناخوشی یا ناتندرستی نیست. یکی از حقوق اساسی هر ذی‌روحي این است که به بهترین حالت رفاه و سلامتی دسترسی یابد و اختلاف نژاد و مذهب و عقاید سیاسی و وضع اقتصادی و اجتماعی نباید مانع از حصول بدین مقصد باشد. سلامتی کلیه ملل شرط اساسی صلح و امنیت جهانی است و رسیدن به این شرط بدون همکاری جدی اشخاص و دول امکانپذیر نیست. در بند (ز) از ماده ۲ اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، تقویت و توسعه اقدامات برای مرتفع ساختن امراض ساریه و غیرساریه و غیره، از جمله وظایف این سازمان، اعلام شده است.

ب- مواد ۱ و ۴ پیش نویس مواد سال ۱۹۹۷ انستیتوی حقوق بین‌الملل

انستیتوی حقوق بین‌الملل نیز در مواد ۱ و ۴ پیش نویس مواد سال ۱۹۹۷ خود درباره مسئولیت بابت خسارات به محیط زیست از ضرورت برقراری مسئولیت محض دولت‌ها بابت زیان‌های ناشی از فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک به محیط زیست سخن گفته است. از همه مهمتر، رویه قضایی و دولتی نیز به سود این مسئولیت دیده می‌شود.

رویکرد قوانین و مقررات داخلی

مستندات حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری مسری در قوانین و مقررات داخلی عبارتند از:

قوانین کشور شامل مقررات مختلفی در خصوص مسئولیت دولت در جبران خسارات است. برخی از این مقررات به گونه‌ای وضع شده است که اصل مسئولیت دولت را با تردیدهایی مواجه می‌سازد. در این خصوص می‌توان به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و مفاد قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران اشاره نمود.

۱- ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی

به موجب این ماده، کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارد می‌باشند. ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نباشد و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود. قانونگذار در این ماده مسئولیت جبران خسارات در اعمال حاکمیتی را از عهده دولت خارج کرده است. با این حال، این ماده تعریفی از این اعمال نداده است. عدم تعیین چارچوب مفهومی این واژه باعث ارائه تعاریف مختلفی از سوی حقوقدانان شده است. طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی وقتی در اثر اعمال حاکمیت خسارتی به اشخاص وارد گردید، نمی‌توان به طور قطع از زیان‌دیده رفع زیان نموده و به عبارت دیگر دعوی زیان‌دیده در زمینه‌ی رفع خسارت از خود، توسط دولت منتج به نتیجه‌ای نخواهد شد. اما دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود، هر چند که منعی در زمینه‌ی پرداخت خسارت به زیان‌دیده برای دولت وجود ندارد. البته به نظر می‌رسد چنانچه در جریان همین اعمال حاکمیت خسارتی به شخصی وارد گردیده و زیان‌دیده بتواند تقصیر عمدی عامل دولت را (مأمور- مستخدم) در نقض مقررات و در جهت اضرار به خویش ثابت نماید، امکان رفع خسارت وارده، بعید و دور از انتظار نیست. بدیهی است که در دعوی مسئولیت مدنی زیان‌دیده باید بتواند رابطه سببیت بین عمل زیانبار اداره و زیان وارده به خود را ثابت نماید؛ چون در غیر این صورت از دعوی خود طرفی نخواهد بست. در رابطه با ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی نکات ذیل قابل توجه است:

➤ خسارت وارده به اشخاص به سبب اعمال دولت زمانی قابل جبران است که زیان وارده مستند به عمل دولت باشد. به عبارت دیگر باید بین عمل زیانبار و خسارت وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد. بدیهی است چنانچه این رابطه قابل اثبات نبوده و یا زیان وارده ناشی از حوادث طبیعی و غیر مترقبه چون سیل، طوفان و یا

زلزله بوده باشد، چون رابطه سببیت بین عمل دولت و خسارت وارده وجود ندارد، لذا مسئولیتی در این زمینه متوجه دولت نخواهد بود. اثبات رابطه سببیت در دعوی مسئولیت مدنی به عهده شخص متضرر از عمل زیانبار یا به عبارتی دیگر مدعی است که البته اثبات این رابطه با توجه به وضعیت زیاندیدگان از اعمال دولت تا حدی مشکل بوده و بالمال جبران زیان از زیاندیدگانی که توانایی اثبات این رابطه را نداشته باشند، امکان پذیر و میسر نخواهد بود.

➤ در خصوص خسارات ناشی از اعمال حاکمیت هم در صورتی که دو شرط موجود باشد دولت از جبران زیان و پرداخت خسارت معاف خواهد بود. اول اینکه دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد و دوم آنکه، آن عمل حسب ضرورت و طبق قانون برای تأمین منافع اجتماعی به عمل آید.

واضح است که با مفقود بودن هر یک از این دو شرط دولت ملزم به پرداخت خسارت خواهد گردید ولو اینکه خسارت ناشی از اعمال حاکمیت دولت باشد، به نظر می‌رسد که اثبات وجود دو شرط مذکور در دعوی مسئولیت مدنی به عهده دولت خواهد بود که در واقع مدعی علیه دعوی خسارت بوده ولی در زمینه اثبات شروط موصوف، مدعی واقع خواهد شد. لازم به توضیح است که با عنایت به مفهوم مخالف قسمت ذیل ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به ویژه عبارت، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود، معافیت دولت در خصوص جبران زیان ناشی از اعمال حاکمیت الزامی نبوده، بلکه امر اختیاریست و به همین جهت در صورتی که دولت مصلحت بداند می‌تواند خسارت وارده در اثر اعمال حاکمیت را نیز جبران نماید.

۲- مفاد قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور

بررسی قوانین و مقررات مرتبط نشان می‌دهد که بیماری‌های واگیردار در صورت شیوع عمومی، از مصادیق «بحران» محسوب می‌شود و لذا باید تدابیر متناسب با بحران در مورد آن‌ها اجرایی گردد. بند (الف) ماده ۱ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور (مصوب مورخ ۱۳۸۷/۲/۳۱ کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی)، بحران را چنین تعریف می‌کند: شرایطی است که در اثر حوادث، رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی (به جز موارد موضوعه در حوزه‌های امنیتی و اجتماعی) به طور ناگهانی یا غیرقابل کنترل به وجود می‌آید و موجب ایجاد مشقت و سختی به یک مجموعه یا جامعه انسانی می‌گردد و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری، فوری و فوق العاده دارد.

در ماده ۲ همین قانون، مدیریت بحران شامل چهار مرحله پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی اعلام شده است. مرحله «مقابله» اینگونه تعریف شده است: انجام اقدامات و ارائه خدمات اضطراری به دنبال وقوع بحران است که با هدف نجات جان و مال انسانها، تأمین رفاه نسبی برای آنها و جلوگیری از گسترش

خسارات انجام می‌شود. عملیات مقابله شامل اطلاع‌رسانی، هشدار، جست و جو، نجات و امداد، بهداشت، درمان، تأمین امنیت، ترابری، ارتباطات، فوریت‌های پزشکی، تدفین، دفع پسماندها، مهار آتش، کنترل مواد خطرناک، سوخت‌رسانی، برقراری شریان‌های حیاتی و سایر خدمات اضطراری ذیربط است. بررسی مفاد قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور نشان می‌دهد که این قانون توجهی به مسئولیت مدنی دولت ندارد و صرفاً ساختارهای اداری و تشریفات لازم و گاه غیرضروری برای مدیریت بحران را تعریف یا بازتعریف کرده است. به علاوه، هیچ تضمینی وجود ندارد که در صورت تحقق شرایط بحرانی، نهادهایی که مسئولیت مدیریت بحران را برعهده دارند، با ادعاهایی همچون کمبود بودجه و امکانات، از زیر بار تکالیفی که در قوانین برای آنها مقرر شده است، شانه خالی نکنند. در واقع، بسیاری از مقررات راجع به مدیریت بحران قالبی همچون خط مشی و اعلامیه را دارند و به ندرت در آنها برای تخلفات مدیران و کارکنان مرتبط با بحران ضمانت اجرا پیش بینی شده است. دقیقاً به همین دلیل است که قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور باب یا ماده‌ای در مورد ضمانت اجراها یا مسئولیت مدنی یا کیفری متخلفان ندارد و بیشتر شبیه یک دستورالعمل اخلاقی یا برنامه توسعه‌ای است.

نتیجه‌گیری

❖ اساساً اپیدمی بیماری‌های مختلف و گسترش آنها در سال‌های اخیر بر تغییر رفتار و کنش‌های انسان تاثیر بسزایی داشته و آثار متعدد اقتصادی سیاسی بر جای گذاشته است. از جمله بیماری‌های اپیدمی در سال‌های اخیر می‌توان به آنفلوآنزای مرغی، آنفلوآنزای خوکی و ایدز اشاره کرد. لکن همه‌گیری کووید-۱۹ پدیده‌ای است که آثار جانی و مالی و ابعاد و پیامدهای آن- به غیر از جنگ جهانی دوم- پیشینه‌ای با این وسعت نداشته است. ابعاد همه‌گیری این بیماری به کشتار هزاران انسان و زمین‌گیر شدن جمع کثیری از انسان‌ها انجامیده است. افزون بر آن موجب بیکاری ده‌ها میلیونی و تعطیلی بازارها و میلیون‌ها شغل و کسب و تجارت ختم شده است که ارزیابی آثار آن به گذشت زمان نیاز دارد.

❖ مسئولیت دولت‌ها در قبال مردم جامعه و جبران خسارت‌هایی که به دلیل شیوع بیماری‌های واگیردار بر آنها تحمیل شده انکارناپذیر است. همچنین دولت‌ها با توجه به توانایی‌ها و اختیاراتی که به واسطه حاکمیت دارا می‌باشند می‌توانند از شیوع بیشتر بیماری‌های واگیردار پیشگیری کنند. با استناد به قوانین بین‌المللی در رابطه با بیماری‌های واگیردار که کشورها به آن ملحق شده‌اند و قوانین داخلی، و اگر فرد بر اثر تقصیر موجب بیمار شدن دیگری گردد باید خسارت مادی یا معنوی ایجاد شده را جبران کند. مسئولیت مدنی یکی از مباحث مهم حقوق خصوصی است که به عنوان ضمانت اجرا حقوق فردی محسوب می‌شود. با توجه به شیوع کووید-۱۹ که منجر به ابتلای و مرگ انسان‌ها شد، موضوع امکان یا عدم امکان مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های مسری به عنوان یک پرسش مطرح شده است. این بحث از جمله ناشی از توانایی‌ها و اختیاراتی است که در انحصار دولت می‌باشد. دولت می‌تواند با توسل به اقتدار و اختیاراتی که دارد، تا حدود زیادی از شیوع

بیماری‌های مسری پیشگیری کند و در صورت سهل‌انگاری در انجام وظایف و تکالیف خود، باید مسئول جبران خسارات وارده به زیان‌دیدگان باشد. از اینرو مسئولیت مورد پذیرش مسئولیت محض است.

❖ مسئولیت کیفری ضمانت اجرای تجاوز به حقوق عمومی است و شدت آن به درجه اخلاقی دارد که در نظم عمومی ایجاد می‌شود. مسئولیت کیفری در شکل بالفعل، به معنای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه و در وضعیت بالقوه به معنای اهلیت پذیرش تبعات جزایی اینگونه رفتار است. تبیین این مضمون درباره رفتار اشخاص و گروه‌هایی که ممکن است، بالفعل یا ترک فعل مسبوق به خواست یا خطای خود، به انتقال بیماری اقدام و از این طریق، علاوه بر تهدید بهداشت عمومی، هریک از قسمهای جنایت را نسبت به تمامیت جسمانی اشخاص به منصف ظهور رسانند، اهمیت مضاعفی دارد.

❖ نظام تلفیقی- بازدارنده: در یک تحلیل مبتنی بر تساوی بشر و حاکمیت مردم، یک نمونه خاصی از بیماری واگیردار (برای مثال کووید ۱۹) باید در تمامی کشورهای هم‌مرده به اندازه نسبتاً مساوی موجب بیماری، مرگ و میر و در مفهوم عام خسارت شود. این خسارت، حداقل ثبت شده‌ای است که با رعایت استانداردهای لازم و برنامه‌ریزی بلند مدت در کشور معین، بدان نائل شده‌اند و سایر کشورها، به هر دلیل یا توجیهی به کاهش خسارات در آن حد (حداقل) ندارند یا تلاش‌های غیر علمی آن‌ها در این زمینه به دلیل فقدان ضمانت اجراهای قانونی و مدیریتی لازم، بی‌ثمر مانده است. اگر سیاست کلان و پایدار دولت در قبال بیماری‌های واگیردار، رسیدن به آرمان فوق باشد، در آن صورت طراحی نظام مسئولیت مدنی به عنوان مهمترین ابزار رسیدن به این هدف در شرایط کنونی نیز آسان خواهد بود.

منابع

- آشوری، داریوش، ۱۳۷۳، دانشنامه سیاسی، چاپ سوم، تهران، نشراندیشه
- اشپیل فوگل، جکسن، ۱۳۸۰، تمدن مغرب زمین، مترجم محمد حسین آریا، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر
- انصاری، مسعود، ۱۳۸۴، دانشنامه حقوق خصوصی؛ تهران، محراب فکر
- بادینی، حسن، ۱۳۸۳، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار
- باریکلو، علیرضا، ۱۳۸۷، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان
- بجنوردی، سیدمحمد، ۱۴۰۱، قواعد فقهیه، چاپ سوم، تهران، موسسه عروج
- بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۸۸، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان.
- پارسای، سوسن، حیدرنیا و کلاهی، بی تا، کتابجامع بهداشت عمومی، تماس زودرس با بیمار، تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- پورسید بهزاد، ۱۳۸۹، حقوق تجارت ۵، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام

- تقی زاده، ابراهیم، هاشمی، سیداحمد علی، ۱۳۹۱، مسئولیت مدنی-ضمان قهری- تهران، دانشگاه پیام نور
- توکلی، احمد، وحدت، کتایون، کشاورز، محسن، ۱۳۹۸، کرونا ویروس جدید ۲۰۱۹ بیماری عفونی نوظهور در قرن ۲۱، مجله طب جنوب، شماره ۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۲، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران: گنج دانش
- جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام،
- خزائلی، محمد، ۱۳۳۹، مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارگر، چاپ اول، تهران، چاپخانه موسوی
- راسا، میشل، ۱۳۷۵، مسئولیت مدنی، مترجم محمد اشتري، تهران، نشر حقوقدان
- رحیق اغصان، علی، ۱۳۸۴، دانشنامه در علم سیاست، تهران، فرهنگ صبا
- صادقی، محمدهادی، ۱۳۹۴، جرایم علیه اشخاص، چاپ ۲۱، تهران، میزان.
- صفایی، سید حسین و حبیب الله رحیمی، ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- صناعتی زاده، حسین، آقاخانی، کامران، امام هادی، محمدعلی، ۱۳۸۷، پزشکی قانونی، تهران، انتشارات دادگستر.
- طباطبائی مومنی، منوچهر، ۱۳۹۷، حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت.
- عباسی، محمود، ۱۳۷۹، مجموعه مقالات حقوق پزشکی، چاپ اول، تهران، نشر حقوقی
- غمامی، مجید، ۱۳۷۶، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، تهران، نشر دادگستر
- قاسم زاده، سیدمرتضی، ۱۳۷۸، مبنای مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۰، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹، حقوق مدنی، الزامات خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۴، وقایع حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار
- محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۹۰، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر
- میرصانع، سیداحمد، ۱۳۹۳، مسئولیت فقهی و حقوقی انتقال دهنده بیماری ایدز، همدان، انتشارات طرحان
- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۵، جرائم علیه اشخاص، تهران، میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۶، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان.
- موسوی مجاب، سید ذرید، ۱۳۹۸، تاثیر اراده بر مسئولیت جنایی، دانشنامه مسئولیت کیفری، مقاله های برگزیده همایش ملی تحولات مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران، به کوشش محسن شریفی.
- نجم آبادی، محمود، ۱۳۷۵، تاریخ پزشکی ایران و جهان اسلام، تهران، دانشگاه تهران.
- هادی، مهدی، ۱۳۹۸، کرونا ویروس جدید، چاپ اول، تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- هارلو، کارول، ۱۳۸۳، شبه جرم، ترجمه کامبیز سیدی، چاپ اول، تهران، نشر میزان

- هاشمی شاهرودی، سید محمود، با همکاری جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ ه.ق.، موسوعه الفقه الإسلامی، چاپ اول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- هونگ، جانگ ون، ۱۳۹۸، دستورالعمل عمومی پیشگیری از ابتلا به ویروس کووید ۱۹ (ویروس کرونا جدید)، ترجمه امین بذرافشان و همکاران، شانگهای، انتشارات علم و فناوری شانگهای.
- یزدانیان، علیرضا، ۱۳۸۶، حقوق مدنی قواعد مسئولیت مدنی، تهران، میزان.
- احسان پور، سیدرضا، ۱۳۸۹، بررسی امکان تطبیق عنوان مجاریه بر انتقال گسترده ویروس عامل ایدز، فصلنامه فقه پزشکی، شماره ۳ و ۴.
- احسانی فر، احمد، ۱۳۹۹، ابعاد فقهی و حقوقی بیماریهای واگیر خطرناک و سریع الانتشار از منظر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، حقوق اسلامی، شماره ۶۴.
- اداره کل پیشگیری های اجتماعی، سازمان تعزیرات حکومتی، وزارت دادگستری، ۱۳۹۹، امید اجتماعی.
- اسکندریان، غلامرضا، ۱۳۹۹، ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تاکید بر الگوی مصرف فرهنگی)، فصلنامه علمی تخصصی ارزیابی تاثیرات اجتماعی، شماره ۲.
- اشرفی ریزی، حسن، کاظم پور، زهرا، ۱۳۹۹، تبیین بحران کرونا ویروس (کووید ۱۹) بر اساس نظریه ضداطلاعات بیان دیدگاه، مجله مدیریت سلامت، شماره ۱.
- اسان، مصطفی، ۱۳۹۹، مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری های واگیردار (بررسی موردی کووید ۱۹)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه نامه حقوق و کرونا.
- بادینی، حسن، ۱۳۸۹، نگرشی انتقادی به معیار "انسان معقول و متعارف" برای تشخیص تقصیر و مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، شماره ۱.
- بای، حسینعلی، قلمرو مسئولیت بیت المال در پرداخت دیه، مجله فقه و حقوق، شماره ۳.
- جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۹، چالشهای فقهی کرونایی (مجموعه گفتارهای اساتید)، مجله مناظ (مباحثات نو در اجتهاد طراز).
- حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۹۳، بررسی فقهی جنایات ارتكابی توسط صغیر با تاکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۶۶.
- حاجی نوری، غلامرضا، ۱۳۸۹، مطالعه تطبیقی رهیافتهای سببیت در مسئولیت مدنی، نشریه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱.
- حبیب نژاد، سیداحمد، عامری، زهرا، ۱۳۹۹، نظام مداخلات حمایتی دولت از گروه های آسیب پذیر در وضعیتهای بحرانی و اضطراری، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۶۴.
- حسونند، امین، صحرانورد، رسول، ۱۳۹۴، توقیف اموال دولتی در حقوق ایران و تجارت بین الملل، دو فصلنامه علمی تخصصی آموزه های حقوقی گواه، شماره ۱.
- حسینی، سیدهادی، ۱۳۹۴، مسئولیت تبعی دولت در جبران ضرر های بلاجبران وارده به شهروندان، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بینالملل دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۲۸.

- حکمت نیا، محمود، ۱۳۹۹، مبانی اخلاقی فقهی و حقوقی الگوی مواجهه ملی با بیماری های همه گیر با تاکید بر کرونا، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۶۴
- خسروی، حسن، ۱۳۹۷، تئوری نمایندگی در پرتو فلسفه سیاسی و حقوق عمومی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهیدبهبشتی، شماره ۸۳
- رجب زاده، علیرضا، شفیعی، بهاره، ۱۳۹۸، مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی ناشی از انتقال بیماری های مسری با تاکید بر حقوق انگلیس، پژوهشهای حقوقی، شماره ۳۹
- روشن، محمد، صادقی، محمد، ۱۳۹۰، ضمان ناشی از انتقال بیماری جنسی، فصلنامه فقه پزشکی، شماره ۰۷ و ۸ - سلطانی، عباسعلی، کراچیان ثانی، فاطمه، ۱۳۹۲، اثبات فقهی و حقوقی قاعده لزوم حفظ نفس در اسلام، پژوهشهای فقهی، شماره ۳.
- شاملو، باقر، ۱۳۹۹، بازخوانی سیاست جنایی پیشگیرانه در پرتو پاندمی کووید ۱۹ و تئوری آشوب، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۰.
- شریفی، محسن، ۱۳۹۹، مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کرونا در نظام کیفری ایران (باتاکید بر مخاطره جانی اشخاص)، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۱۹
- صادقی، محمدهادی، میرزائی، محمد، ۱۳۹۸، ماهیت رابطه استناد و معیار احراز آن، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۱.
- صباح مشهدی، حمید، ۱۳۸۵، بررسی و تبیین قاعده (تذذیر یا هشدار)، ماهنامه دادرسی، شماره ۶۰
- طاهری، سارا، ۱۳۹۹، مروری بر بیماری کرونا ویروس (کووید ۱۹) و آنچه درباره آن شناخته شده است، مجله تصویر سلامت، شماره ۱.
- طهماسبی، علی، علی پور، کوروش، ۱۳۹۰، اثر تقصیر و مسئولیت محض در ترغیب عامل زیان و زیاناننده به رعایت احتیاط، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۴.
- علیدوست، ابوالقاسم؛ بای، حسینعلی، ۱۳۹۱، معیار ضمان، فقه اهل بیت شماره ۷۰-۷۱
- علی محمدی، جورکویه، ۱۳۹۹، مسئولیت ناشی از انتقال بیماری واگیر و ویروس، مجله حقوق اسلامی، شماره ۶۴.
- فخارطوسی، جواد، ۱۳۸۰، عدالت علوی در گردآوری و هزینه‌سازی بیتالمال، نامه مفید، شماره ۲۷
- فروغی، فضل الله، میرزائی، محمد، باقرزادگان، امیر، صوفی زمره، محسن، ۱۳۹۴، نحوه احراز مسئولیت کیفری در بیماریهای واگیردار و جرائم قابل انتساب، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۳۵.
- فولادبند، فرزانه، ۱۳۹۰، بجههایی که با ایدز به دنیا می‌آیند، مجله سلامت، شماره ۳۴۷
- فیض آبادی، الهام، ۱۳۹۹، بررسی مسئولیت افراد و دولت در قبال خسارتهای ویروس کرونا، فصلنامه رهیافتهای نوین در مطالعات اسلامی، شماره ۴.
- قاسم زاده، سید مرتضی، ۱۳۷۸، مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- محمدپناه، سیدعلی، ۱۳۸۵، تحلیل ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، مجله دادرسی، شماره ۵۷

- محمدفام، ایرج، مهدی نیا، محسن، سلیمی، وحیده، کوپال، رقیه، سلطان زاده، احمد، ۱۳۹۹، ارزیابی ریسک ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در محیط‌های شغلی با استفاده از تکنیک آنالیز سریع خطر، مجله طب نظامی، شماره ۶.
- محمدی، حمید، ۱۳۹۸، مسئولیت دولت یا حکومت: تبیین مبانی آن در آموزه‌های فقه و حقوق کیفری ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶۲.
- محمدی جورکویه، علی، ۱۳۹۹، مسئولیت ناشی از انتقال بیماری واگیر و ویروس، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۶۴.
- محمودی، اکبر، ۱۳۹۸، کاوشی فقهی حقوقی درباره کتمان بیماری‌های واگیردار به ویژه کرونا، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، شماره ۲.
- مظفری، مصطفی، میرزایی مقدم، مرتضی، ۱۳۹۹، بررسی حقوقی نحوه عملکرد و مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از بحران کووید ۱۹، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه نامه حقوق و کرونا.
- مظلوم، علیرضا، نصیری جهان آباد، عنایت الله، حاجتی، فتح الله، ۱۳۹۶، تبیین قاعده لاضرر و لاضرار در مباحث فقهی، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۲۳.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ ناهیدی، شیده، ۱۳۸۷، بررسی فقهی و حقوقی و حدود مسئولیت مدنی و کیفری ناقلین ایدز با رویکردی بر نظریات حضرت امام خمینی، بخش دوم، نامه الهیات، شماره ۳.
- مهرآ، نسرین، ۱۳۹۹، مسئولیت دولت در جبران خسارات قربانیان کرونا، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه نامه حقوق و کرونا.
- میرتبار، سیدمجتبی، ۱۳۹۸، بررسی فقهی ضمان ناشی از انتقال بیماری مسری، دوفصلنامه علمی-تخصصی فقه و اجتهاد، شماره ۱۱.
- میر صالحیان اکبر، دالوند، مصیب، ۱۳۹۷، تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران، مجله میکروب شناسی پزشکی ایران، شماره ۲.
- نیک فرجام، زهره، ۱۳۹۲، جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱۱.
- هوشمند فیروزآبادی، حسین، ۱۳۹۹، امکان سنجی رفع مسئولیت مدنی ناقلان بیماری‌های همه گیر در پرتو قاعده تحذیر، حقوق اسلامی، شماره ۶۴.
- یاقوتی، ابراهیم، ۱۳۹۹، تحولات حق بر سلامت در پرتو میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، مجله تاریخ پزشکی، شماره ۴۴.
- یزدانیان، علیرضا، ثقفی، مریم، ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیردار، آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۰.
- یزدانیان، علیرضا، ۱۳۹۱، طرح مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز در حقوق ایران همراه با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۱.